



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران  
علیه السلام

www.ghaemiyeh.com  
www.ghaemiyeh.org  
www.ghaemiyeh.net  
www.ghaemiyeh.ir



مجلس شورای اسلامی ایران



# در مکتب اهل بیت علیهم السلام

جلد ۲۵

جشن میلاد پیامبر (ص)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# جشن میلاد پیامبر صلی الله علیه و اله

نویسنده:

عبدالرحیم موسوی

ناشر چاپی:

مجمع جهانی اهل بیت (علیهم السلام)

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

# فهرست

۵	فهرست
۶	جشن میلاد پیامبر صلی الله علیه و اله
۶	مشخصات کتاب
۷	اشاره
۱۵	سخن مجمع
۱۹	مقدمه
۲۷	مباحثی ارزشمند پیرامون جشن میلاد پیامبر(صلی الله علیه و آله)
۲۸	امر اول: حادثه مقدس، زمان خود را مقدس می سازد
۳۰	امر دوم: آیا جشن میلاد پیامبر(صلی الله علیه و آله) بدعت است؟
۳۰	اشاره
۳۳	سخنان برخی از علما پیرامون مسأل بدعت
۳۵	امر سوم: لزوم احترام پیامبر(صلی الله علیه و آله) در حال حیات و بعد از حیات
۳۵	اشاره
۳۸	تکریم پیامبر(صلی الله علیه و آله) از نظر روایات
۳۹	امر چهارم: روز ولادت پیامبر(صلی الله علیه و آله) از (ایام الله) است
۴۳	امر پنجم: واقعیت تاریخی روز میلاد پیامبر(صلی الله علیه و آله)
۴۳	اشاره
۴۶	جشن میلاد پیامبر(صلی الله علیه و آله) از نظر حاکمان و سیاستمداران
۴۸	ویژگیهای ولادت و احکام آن
۴۹	ابن تیمیّه و خواندن غنا در عید
۵۰	امر ششم: بررسی نظرات کسانی که جشن میلاد پیامبر(صلی الله علیه و آله) را حرام می دانند!
۶۲	چکید بحث
۶۴	درباره مرکز

سرشناسه: موسوی، عبدالرحیم، ۱۳۴۲ -

عنوان قرارداد: الاحتفال بذكری مولد النبی صلی الله علیه و اله . فارسی

عنوان و نام پدیدآور: جشن میلاد پیامبر صلی الله علیه و اله [کتاب] / گروه پژوهش و پاسخ به شبهات، عبدالرحیم موسوی؛ مترجم حسین علی عربی؛ تهیه کننده اداره ترجمه معاونت فرهنگی [مجمع جهانی اهل بیت (ع)]؛ ویراستاری امرا... نصیری.

مشخصات نشر: قم: مجمع جهانی اهل بیت (ع)، ۱۴۳۵ ق. = ۱۳۹۳.

مشخصات ظاهری: ۵۷ ص.؛ ۵/۱۴ × ۵/۲۱ س م.

فروست: در مکتب اهل بیت علیهم السلام؛ ۲۵.

شابک: دوره ۹۷۸-۹۶۴-۵۲۹-۲۷۰-۴؛ ۹۷۸-۹۶۴-۵۲۹-۲۹۵-۷

یادداشت: کتابنامه به صورت زیرنویس.

موضوع: محمد (ص)، پیامبر اسلام، ۵۳ قبل از هجرت - ۱۱ ق. -- میلاد

موضوع: احادیث اهل سنت -- قرن ۱۴

شناسه افزوده: عربی، حسینعلی، ۱۳۴۹ - ، مترجم

شناسه افزوده: نصیری، امراالله، ویراستار

شناسه افزوده: مجمع جهانی اهل بیت (ع). اداره ترجمه

شناسه افزوده: مجمع جهانی اهل بیت (ع)

رده بندی کنگره: BP۲۵۹/۴/م۸الف ۳۰۴۱ ۱۳۹۳

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۷۳۴

شماره کتابشناسی ملی: ۳۸۲۸۷۴۹







بسم الله الرحمن الرحيم

ص: ٣



جشن میلاد پیامبر صلی الله علیه و اله

گروه پژوهش و پاسخ به شبهات، عبدالرحیم موسوی

ترجم حسین علی عربی

تهیه کننده اداره ترجمه معاونت فرهنگی [مجمع جهانی اهل بیت (ع)]

ویراستاری امرا... نصیری

ص: ۵







«کار اساسی شما [مجمع جهانی اهل بیت (علیهم السلام)] ... معرفی مکتب اهل بیت (علیهم السلام) است به دنیای اسلام. بلکه به سراسر عالم، چون امروز همه دنیا تشنه معنویت اند و این معنویت در اسلام هست و در اسلامی که در مکتب اهل بیت (علیهم السلام) معرفی می کند به نحو جامع و کاملی وجود دارد».

(از بیانات مقام معظم رهبری «مد ظله العالی»، ۱۳۸۶/۵/۲۸)

مکتب اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم السلام) که تبلور اسلام ناب محمدی (صلی الله علیه و آله) و متکی بر منبع وحیانی است، معارف ژرف و عمیقی دارد که از اتقان، استحکام و برهان برخوردار می باشد و مطابق با فطرت سلیم انسان هاست؛ بر همین اساس است که حضرت امام رضا (علیهم السلام) فرمودند:

«فإنَّ الناس لو علموا محاسن كلامنا لا تبعونا» [شیخ صدوق (رحمه الله)، عیون اخبار الرضا (علیهم السلام)، ج ۲: ۲۷۵]. این مکتب غنی و نورانی در پرتو عنایات الهی و هدایت ائمه ی اطهار (علیهم السلام) و نیز مجاهدت هزاران جهادگر عرصه های علم و فرهنگ در طول قرون گذشته و حال، بسط و گسترش یافته است.

پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی به رهبری حضرت امام خمینی (قدس سره) و تأسیس نظام اسلامی با تکیه بر قوانین اسلامی و با

محوریت ولایت فقیه، افق های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی جدیدی را برای انسان های آزاده به ویژه مسلمانان و پیروان و محبان اهل بیت (علیهم السلام) گشود و توجه بسیاری از نخبگان و مستضعفان جهان را به خود معطوف کرد.

مجمع جهانی اهل بیت (علیهم السلام)، مولود این دگرگونی مبارک است که به ابتکار مقام معظم رهبری حضرت آیت الله العظمی خامنه ای (مد ظله العالی) در سال ۱۳۶۹ شمسی / ۱۹۹۰ میلادی تأسیس شد و تاکنون خدمات شایانی را در تبلیغ معارف قرآن و اهل بیت (علیهم السلام) و حمایت از پیروان اهل بیت (علیهم السلام) در سراسر جهان انجام داده است.

معاونت امور فرهنگی مجمع جهانی اهل بیت (علیهم السلام) در راستای رسالت خود جهت ارتقای شناخت و آگاهی پیروان اهل بیت (علیهم السلام) در موضوعات، سطوح، مخاطبان و عرصه های مختلف، در حوزه های تولید کتاب و مجلات به زبان های متعدد و سائر محصولات فرهنگی به فعالیت پرداخته است.

این اثر با هدف معرفی معارف اهل بیت (علیهم السلام) و پاسخ به شبهات مخالفین به ویژه وهابیان و سلفی ها تهیه شده و حاصل تلاش علمی و پژوهشی گروهی از پژوهشگران و نویسندگان فرهیخته و صاحب نظر و ارجمند می باشد.



در اینجا بر خود لازم می دانم از دبیر کل محترم مجمع، حضرات اعضای محترم شورای کتاب، مدیران محترم اداره کل پژوهش و ترجمه، رئیس محترم گروه مطالعات بنیادی، دبیر محترم شورای کتاب و گروه مطالعات بنیادی، مترجمین عزیز و همکاران اداره ی ترجمه تقدیر و تشکر نمایم. همچنین از برادرانی که در ویرایش، تایپ، مقابله، تصحیح، آماده سازی، نشر و چاپ این کتاب تلاش کردند، تشکر می کنم و توفیق همگان را از خداوند متعال مسئلت دارم.

معاونت امور فرهنگی مجمع در راستای تعمیق و پویایی آثار منتشره در حوزه ی معارف اهل بیت (علیهم السلام) در سراسر جهان، از دیدگاه ها و پیشنهادهای اساتید، فرهیخته گان، صاحب نظران و پژوهش گران ارجمند استقبال می کند تا زمینه های بسط و گسترش هرچه بیشتر معارف اهل بیت (علیهم السلام) فراهم گردد.

به امید تعجیل در ظهور و فرج منجی عالم بشریت حضرت مهدی (عج).

نجف لک زایی

معاون امور فرهنگی

ص: ۱۱



وحدت، همبستگی، اتحاد و انسجام، از اصول عقلانی و برخاسته از اعماق سرشت انسانی است؛ هم چنان که یک اصل ثابت، مسلم و همیشگی دین مقدس اسلام نیز بوده و هست و تحقق آرمان های آفرینش و نیل به اهداف عالی آن در این راستا قابل دسترسی است و قطعاً هیچ قوم و آحاد جامعه ای، در جنگ و فتنه، نزاع و تفرقه، به خیر و سعادت و کمال انسانی، نخواهد رسید.

امام امیر المؤمنین علی بن ابی طالب (علیه السلام) می فرماید:

إِنَّ اللَّهَ سَبْحَانَهُ لَمْ يُعْطِ أَحَدًا بَفُرْقِهِ خَيْرًا مِّمَّنْ مَضَى وَلَا مِمَّنْ بَقِيَ. (۱)

«خداوند سبحان، نه به گذشتگان و نه به آیندگان، با تفرقه و جدایی خیری را عطا نکرده و نمی کند».

در سایه وحدت و یک دلی است که جامعه به آرمان ها و پله های ترقی، گام نهاده و زیباترین استحکامات را بر سرتاسر جامعه حاکم می کند و محبت و صمیمیت و صلح و صفا را می گستراند.

از این رو، می بینیم قرآن کریم با لحن محکم و با هدف هدایت، چنین می فرماید:

وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَكُنْتُمْ عَلَى شَفَا حُفْرِهِ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ. (۲)

ص: ۱۳

۱- (۱) - نهج البلاغه: خطبه ۱۷۶.

۲- (۲) - آل عمران: ۱۰۳.

«همه با هم، به حبل الله چنگ زنید و پراکنده نشوید و یاد بیاورید آن زمانی را که با هم دشمنی می کردید. پس خداوند دل های شما را به هم نزدیک کرد و الفت و برادری بر شما حاکم نمود و (نیز) یاد بیاورید آن زمانی را که شما، در لبه پرتگاه آتش قرار داشتید، پس خداوند شما را از آن نجات داد و خداوند این چنین آیات خود را تبیین می کند، شاید به هدایت دست یابید».

و نیز پیامبر اکرم؛ حضرت محمد بن عبدالله (صلی الله علیه و آله) می فرماید:

«المؤمن للمؤمن كالبنيان يشد بعضه بعضاً». (۱)

«نسبت فرد با ایمان با مؤمن دیگر، همانند اجزای یک ساختمانند که هر جزئی از ساختمان، جزء دیگر را نگه داشته و محکم می نماید».

و نیز حضرت امام جعفر صادق (علیه السلام) می فرماید:

«المؤمن أخو المؤمن، كالجسد الواحد، إن اشتكى شيئاً منه وجد ألم ذلك في سائر جسده». (۲)

«مؤمن برادر مؤمن است، مانند آنکه یک جسد می باشند؛ اگر عضوی از آن به درد آید، درد و رنج آن به دیگر اعضا خواهد رسید».

بنابر این تفرقه، کینه توزی، نزاع و خون ریزی، هرگز مشروعیت و مصونیت نداشته و از کبائر و زشتی هاست که وجدان و عقل سلیم، آن را بی اساس و بی فرهنگی معرفی کرده و در دین اسلام هم شدیداً مورد نکوهش و توبیخ قرار گرفته و مرتکب آن را به عذاب الهی، وعده داده است.

جهالت جاهلان و دسیسه دسیسه گران و فتنه انگیزان، در طول تاریخ مسلمین، کوشیده است که وحدت صفوف و یک پارچگی مسلمین، به جنگ و

ص: ۱۴

۱- (۱) - اصول کافی ۱۶۶/۲؛ نهج الفصاحه: ۷۷۹؛ کنز العمال: ۱۴۱/۱.

۲- (۲) - بحار الأنوار: ۱۴۸/۶۱.

خون ریزی تبدیل شده و کینه و بغض و بد بینی و اِتهام به خروج از دین و ورود در شرک را گسترش دهد. بنابر این بر مسؤلان و رهبران اُمّت و بر آحاد جامعه اسلامی، فرض و حتم است که اجازه ندهند چنین فضائی بر جامعه اسلامی حاکم گردد و در نتیجه ذخائر و ثروت های امت اسلام، توسط مستکبران روزگار و کافران خوش رنگ و نگار و صاحبان تراست ها و کارتل ها به راحتی و سهولت، غارت شود.

ما پیروان اهل بیت (علیهم السلام)، بر خود لازم می دانیم جهت وحدت بیشتر مسلمین و زدودن موانع این اتّفاق و انسجام، نسبت های ناروائی که در طول تاریخ، به ویژه در این سال های اخیر، به مکتب اهل بیت (علیهم السلام) و به صورت ناجوانمردانه نسبت داده شده، از خود دور کنیم و با تمام وجود، از این تهمت ها و نسبت ها توسط تکفیری ها و جریاناتی که آلت دست انگلیسی ها، صهونیست ها، و غارتگران امریکا و ... هستند، اعلان انزجار و تبری بجویم.

از باب نمونه:

۱ - ما که کتاب آسمانی مصون از تحریف، یعنی قرآن کریم را تنها کتاب همه مسلمین و بدون آن که کم و زیاد شده باشد و عیناً، همان قرآن کریم حضرت خاتم الانبیاء محمد مصطفی (صلی الله علیه و آله) و ثقل اکبر و سرتاسر آن را داعی توحید و یکتاپرستی می دانیم؛

- ما که بزرگ ترین موفقیت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) را نفی بتها (اصنام) و نفی عبادت لات و عزّی و اعلان و تحقّق کلمه توحید «لا إله إلا الله» می دانیم؛

- ما که خطبه های غزای توحیدی مولی الموحدين امیر المؤمنین (علیه السلام) را - شبانه روز - در مراکز آموزشی و پژوهشی، دانشگاه ها و حوزه ها و محافل علمی و تربیتی مان به تلاوت و تدریس و استضاءه می نشینیم؛

ص: ۱۵

- ما که در مساجد و مراکز عبادتی مان ، متون سراسر توحید اهل بیت پیامبر(صلی الله علیه و آله) را همانند دعای کمیل از امام علی(علیه السلام)، دعای عرفه از امام حسین(علیه السلام) و دعای ابو حمزه ثمالی از امام سجاد(علیه السلام) و ده ها دعای توحیدی دیگر تلاوت می شود و طنین انداز است:

«... مَتَى غَبَّتْ حَتَّى تَحْتَاجَ إِلَى دَلِيلٍ يَدُلُّ عَلَيْكَ... عَمِيْتُ عَيْنٌ لَا تَرَكَ... مَاذَا وَجَدَ مَنْ فَقَدَكَ وَمَا أَلْمَذَى فَقَدَ مَنْ وَجَدَكَ...».

(۱)

- ما که هزاران اثر معرفتی و توحیدی همچون کتاب توحید شیخ اقدم «صدوق» را داریم، ما که ...

با همه این اوصاف، به صورت جاهلانه و مزورانه و مزدورانه به هدف بدبین کردن سایر مسلمین ناجوانمردانه به شرک متهم شده و می شویم!!! (فما لهم کیف یحکمون)!!؟!!

۲ - اعتقاد به امام مهدی(علیه السلام) و مهدویت، ریشه قرآنی دارد و مذاهب و فرق اسلامی - روی هم رفته - به آن اعتراف دارند تا جائی که انکار آن را موجب قتل منکر آن دانسته اند. (۲)

و نیز جایگاه رفیعی از سنت و معرفت اسلامی را برای آن حضرت ذکر کرده اند و قاطبه علمای اهل بیت(علیهم السلام) و بسیاری از علمای مذاهب اسلامی، روایات و احادیث و اخباری که در شأن و ولادت آن حضرت است، مورد تصریح و تصحیح و اعتراف قرار داده اند؛ مانند صاحب سنن ترمذی، قرطبی مالکی، ابوجعفر عقیلی، سیوطی، ابن حجر عسقلانی، حاکم نیشابوری، بیهقی، ابن اثیر، بغوی، ابن قیم، ذهبی، تفتازانی، ابن کثیر دمشقی، جزری شافعی، عبدالوهاب شعرانی، متقی هندی، عبدالباقی زرقانی، سفارینی حنبلی، محمد امین

ص: ۱۶

---

۱- (۱) - بحار الأنوار: ۲۲۶ / ۹۵ (بخشی از دعای عرفه).

۲- (۲) - همانند ابن حجر هیتمی شافعی، شیخ صبای حنفی، خطابی مالکی، یحیی حنبلی و...

سویدی، شوکانی، مؤمن شبلنجی، قنوجی بخاری، کتانی مالکی، خضر مصری، غماری شافعی، ناصر الدین البانی، ابوالعلی مودودی، کمال الدین ابن طلحه شافعی، یاقوت حموی، ابو نعیم اصفهانی، ابن جوزی حنبلی، گنجی شافعی، جوینی شافعی، ابن علی شافعی همدانی، حمد الله مستوفی، ابن شحنة حلبی حنفی، خواجه پارسا حنفی، ابن صبّاغ مالکی، سراج رفاعی، ابن طولون دمشقی، ابو عیّاس قرمانی حنفی، ابن عامر شیراوی، سابط قاضی حنفی، قندوزی حنفی، حمزوی شافعی مصری، زرکلی سلفی، یونس سامرای، احمد طوسی بلاذری، ابن شاکر بدری شافعی، عبدالکریم یمانی، صبان شافعی، ابن عماد دمشقی حنبلی و غیر اینان... .

حال نگاه بیندازید و ببینید:

امام مهدی(علیه السلام) و مهدویّت - که در کتاب و سنّت، محکم ترین ریشه و اساس و برهان و این همه معترف به تواتر و صحت و ولادت و حیات از جمیع فرق اسلامی دارد- چگونه با زشت ترین تعبیرها مورد استهزاء و تمسخر و افتراء و نسبت های ناروا قرار گرفته است؟!.

از این عصاره انبیاء و خلف اوصیا، گاهی به «امام مزعوم» و گاهی به «معدوم» و ... تعبیر می شود!! و گاهی می نویسند که شیعیان کنار سرداب حله یا سرداب بغداد، یا سرداب سامرا (1) و یا ... مرکبی را آماده می کنند تا آن که او وقتی که از آن سرداب خارج شد، سوار آن مرکب شود!. اینان هنگام نماز هم، هم چنان در کنار مرکب باقی می مانند، زیرا ممکن است که در همان وقت از سرداب خارج شود و کسی کنار مرکب نباشد تا او را سوار کنند!!.

ص: ۱۷

وارونه نشان دادن حقایق، تحریف و سیاه‌نمایی در زمینه اعتقادات و معارف حقه اهل بیت (علیهم السلام) توسط دشمنان و بقاء بر میت‌های آکله‌الاکباد و آنان که گوینده «لا اله الا الله و محمد رسول الله» و معتقدان معاد و محشر و اهل قبله و قرآن را همانند گوسفند سر می‌برند و جهت جلب رضایت سردمداران کفر و غاصبان قدس، همه‌گونه خوش‌خدمتی دارند و در تمام دوران ننگین رژیم جعلی و سفاک صهیونیستی، در حمایت از مظلومین فلسطین، و مقدسات مسلمین حتی یک فشنگ و یا تیری رها نکرده‌اند، اما هر روز شاهد آنیم که دسته‌دسته اهل قبله و توحید و بعثت و معاد را با کمال شقاوت و بی‌رحمی، قطعه‌قطعه و به آتش می‌کشند و فتنه و تفرقه را بین امت اسلام می‌گسترانند.

لازم به تذکر است: این دو مورد به عنوان نمونه بود و گرنه مسلمانان هر روزه شاهد نشر و بسط صدها مورد دیگر با هزاران سایت و کتاب و مقالات و نرم‌افزار، توسط این مجموعه فاقد عاطفه و رحم و متحجر و تکفیری با هدف شوم تفرقه‌افکنی و جنگ و جدال در امت اسلامی می‌باشند، فالی الله المشتکی.

در هر صورت، ما به عنوان این که به حفظ وحدت مسلمین و قطع ید اجانب از بلاد اسلامی و زدودن اتهامات و افتراءات از مکتب اسلام و معارف اهل بیت (علیهم السلام) مکلفیم، بر خود واجب می‌دانیم جهت زایل کردن بدبینی از ذهنیتی که اینان در بین عموم مسلمین با دروغ، نفاق، افتراء و بهتان ساخته‌اند، اقدام نماییم و انزجار و بی‌زاری خود را از این تفرقه‌افکنان و جنگ‌افروزان وابسته به استکبار و کفر جهانی، اعلان نماییم.



مجموعه «فی رحاب اهل البیت (علیهم السلام)» (۱) حدود چهارده سال پیش، جهت زدودن این ذهبت و زدودن برخی از موانع وحدت، در معاونت امور فرهنگی مجمع جهانی اهل بیت علیهم السلام و با کمک، مساعدت و همکاری گروهی از فضلا و محققین (۲)، طراحي و سپس مورد تنظيم و تدوين قرار گرفت.

بحمدالله به سرعت و به طور گسترده و چشمگیر، مورد استقبال محافل علمی و پژوهشی و علاقه مندان و دوستان وحدت مسلمین، قرار گرفت.

شخصیت های علمی و دست اندرکاران نشر و قلم و گروه های محاوره و مناظره، در همان زمان تدوین و نشر، پیشنهاد ترجمه ی این مجموعه را به زبان های زنده دنیا دادند که بحمدالله ترجمه فارسی آن توسط اداره ترجمه

ص: ۱۹

---

۱- (۱) - این مجموعه بیش از چهل جلد است که هر یک از آنها به یک موضوع و یک شبهه اختصاص دارد و به زبان عربی و با سبک مقارنه و ارائه دلائل تنظیم یافته است.

۲- (۲) - جهت تقدیر از زحمات عزیزانی که در این مجموعه به نوعی تلاش داشته و نقشی که در تحقق این کار علمی و فرهنگی داشته اند. متذکر می شویم: ۱- ابوالفضل اسلامی (علی)؛ مسؤول گروه و مشرف علمی پروژه. ۲- سید منذر حکیم؛ پیگیر امور مجموعه. ۳- ۵- سید عبدالرحیم موسوی، شیخ عبدالکریم بهبهانی و صباح بیاتی؛ تهیه کنندگان بعضی از متون مجموعه. ۶- ۹- شیخ عبدالأمیر سلطانی، شیخ محمد هاشم عاملی، شیخ محمد امینی و شیخ علی بهرامی؛ تصدی مسائل استخراج و مقابله. ۱۰- ۱۳- سید محمدرضا آل ایوب، عباس جعفری، حسین صالحی و عزیز عقابی؛ در مسائل تصحیح و تطبیق و روند امور. ضمن آن که از نظرات ارزشمند آقایان: شیخ جعفر الهادی (خوشنویس)، شیخ محمد هادی یوسفی غروی، استاد صائب عبدالحمید و غیر اینان در برخی از این متون استفاده کرده ایم. جزاهم الله خیر الجزاء. (ناشر)

معاونت امور فرهنگی، آماده گردید و اینک مورد بررسی مجدد و ویراستاری قرار گرفت و تقدیم علاقه مندان می شود.  
امید است که این تلاش و جهاد فرهنگی، مورد قبول پروردگار متعال و عنایت حضرت بقیه الله الأعظم (عج) قرار گرفته باشد.

گروه مطالعات بنیادی

ابوالفضل اسلامی (علی)

۱۳۹۲/۸/۲۸

ص: ۲۰

## مباحثی ارزشمند پیرامون جشن میلاد پیامبر (صلی الله علیه و آله)

جشن میلاد پیامبر (صلی الله علیه و آله) از جشنهایی است که از قرنهای گذشته مسلمانان به بزرگداشت آن عادت کرده و همیشه پا بر جا و در قلوب همه مسلمانان زنده بوده است و به مناسبت این روز، در خانه ها و مساجد شهرهای مختلف اسلامی، جشنهای بزرگی برگزار می کنند؛ چرا که مسلمانان نیز همانند هر ملت دیگری، به مقدّسات خود احترام می گذارند و این روزهای بزرگ و مناسبتهای با عظمت را گرامی می دارند و سعی می کنند بهره برداریهای لازم را از این مجالس داشته باشند.

هر چند جایز بودن جشن میلاد پیامبر (صلی الله علیه و آله) روشن و واضح است، ولی برخی افراد می خواهند با استناد به فهم غلط خود از معنای «بدعت»، این مجالس را به تعطیلی بکشانند و بسیاری از مباحث دیگر را به بهانه این که نصّی در مورد آنها وارد نشده است، تحریم نمایند!

به همین دلیل، مسأله جشن میلاد پیامبر (صلی الله علیه و آله) را مورد مطالعه قرار می دهیم تا حدود شرعی آن را مشخص سازیم و سپس در مورد نظریه قایلین به حرمت آن، در چند امر بحث خواهیم کرد.

## امر اوّل: حادثه مقدّس، زمان خود را مقدّس می سازد

آیا امکان ندارد همچنان که شبهای قدر و روزها و شبهای ماه رمضان، یا عید فطر، یا عید قربان، یا مبعث پیامبر (صلی الله علیه و آله) به واسطه حوادثی که در آن روزها واقع شده مقرون به خیر و برکت شده اند، روزها و ساعات دیگری هم که حوادث مقدّس و الهی در آنها واقع شده است، مقدّس شوند؟

اگر روایاتی که این معنا را مورد بررسی قرار می دهند، ملاحظه کنیم، خواهیم دید که حادثه بزرگ و مبارک، عظمت خود را بر زمان خود افاضه می نماید.

در صحیح مسلم در مورد فضیلت «روز جمعه» آمده است:

«خداوند آدم را در روز جمعه آفریده و او را در روز جمعه وارد بهشت کرد» (۱).

همچنین خدای متعال در مورد برکت «ماه رمضان» می فرماید:

شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ هُدًى لِّلنَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ مِّنَ الْهُدَى وَالْفُرْقَانِ (۲).

ص: ۲۲

---

۱- (۱) - صحیح مسلم: ۶ / ۳، کتاب الصلاة، باب فضل يوم الجمعة.

۲- (۲) - بقره (۲): ۱۸۵.

«ماه رمضان، ماهی است که قرآن، برای راهنمایی مردم و ارائه نشانه های هدایت و فرق گذاشتن میان حق و باطل، در آن نازل شده است».

همچنین در مورد برکت در «شب قدر» می فرماید:

إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ \* وَمَا أَدْرَاكَ مَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ \* لَيْلَةُ الْقَدْرِ حَيْرٌ مِّنْ أَلْفِ شَهْرٍ (۱)

«ما آن را در شب قدر نازل کردیم و تو چه می دانی شب قدر چیست؟ شب قدر، بهتر از هزار ماه است».

جاودانه بودن برکت در این ماهها و روزها و شبها به خاطر حوادث مهم الهی، مثل نزول قرآن در آنها بوده است.

اگر سرچشمه قداست ایام، به حوادث مبارک الهی بر می گردد، چرا روز ولادت پیامبر (صلی الله علیه و آله) - که روز مبارکی است - مستحق تقدیس نباشد؟

این قضیه در مورد مناسبتهایی مثل جشن عید فطر، عید قربان، عید غدیر و روز عرفه که نصّ خاصی در مورد آنها وارد شده هم صحیح است.

عده ای در مورد بزرگداشت این مناسبتها افراط کرده اند و در مقابل، عده ای به گمان این که این گونه تجلیلها و بزرگداشتهای خاص، بدعت است! و سکوت در مقابل آن جایز نیست! هر گونه

ص: ۲۳

بزرگداشتی را که مربوط به پیامبر (صلی الله علیه و آله) و اهل بیت آن حضرت باشد، باطل می دانند، لذا جشنهای مسلمانان در میلاد پیامبر (صلی الله علیه و آله) را ناآرام کرده و به خاطر نبودن نصّ خاصّ در مورد آن و به بهانه برافراشتن پرچم توحید، هر چه را که مربوط به اولیای خدا - که مصادیق واقعی هدایت و چراغهای فروزان معنویت برای راهنمایی بندگان به سوی معبود هستند - باشد، مورد انکار قرار داده اند!!

از جمله قضایایی که در زمان ما مورد انکار آنان قرار گرفته قضیه «جشنهای میلاد پیامبر (صلی الله علیه و آله) و اهل بیت آن حضرت (علیهم السلام)» می باشد.

### **امر دوّم: آیا جشن میلاد پیامبر (صلی الله علیه و آله) بدعت است؟**

#### **اشاره**

برای شناخت مسائلی که در دین جایز است، لازم است بدانیم که اگر در مورد مسأله ای نصّ خاصّی از دین داشته باشیم، آن مسأله جایز خواهد بود؛ مثل جشن عیدهای فطر و قربان و اجتماع در روز عرفه. این روزها از روزهایی است که جواز جشن، یا اجتماع مردم در آنها، مورد هیچ شکی نیست و قطعاً بدعت هم نیستند.

گاهی در یک مسأله، به صورت کلی نصّی وارد شده است؛ یعنی نصّ خاصّی در مورد آن نیست که این موارد هم جایز هستند، در این موارد، مکلف در چگونگی انجام کار، به اختیار خود واگذاشته

شده است تا با هر سلیقه ای که می خواهد، آن را انجام دهد، به شرط این که محرمات را در آن داخل نسازد.

برای توضیح بیشتر، به مثالهای زیر اشاره می شود:

۱ - شارع مقدّس در مورد تعلیم و تربیت فرزندان، بسیار سفارش نموده است و شکی نیست که انجام این مسأله روشهای مختلفی می تواند داشته باشد که بر حسب زمان، تغییر می یابد؛ مثلا نوشتن در زمانهای گذشته با قلم نی، یا پرپرندگان انجام می گرفته است، ولی اکنون روشهای نوشتن و آموختن، فرق کرده است، به شکلی که دستگاههای پیشرفته ای مثل رایانه و نوارهای صوتی و امثال اینها از وسایل کمک آموزشی، می توانند در پیشرفت یادگیری، مؤثر باشند.

می بینیم که شارع مقدّس، مسأله آموزش را به صورت کلی سفارش فرموده، ولی سلیقه و روش آموزش را به عهده مکلفین گذاشته است.

۲ - گفته می شود: عدّه ای از صحابه قرآن کریم را در مصحفی جمع آوری نمودند، این عمل را کسی بدعت نشمرد بلکه تطبیقی عملی از کلام خداوند بود که می فرماید:

إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ (۱)

«ما قرآن را فرو فرستادیم و ما نگهبان آن هستیم.»

ص: ۲۵

مسلمانان به قرآن اهتمام فراوانی داشته و برای کتابت، نقطه گذاری، اعرابگذاری کلمه ها و جمله ها، شماره آیات، مشخص سازی نقطه ها از طریق رنگهای قرمز، تلاش کرده اند. احترام به حافظان قرآن و برگزاری جشنها برای آنان و کارهایی از این قبیل، برای نگهداری و پایداری قرآن است. بر فرض که رسول خدا(صلی الله علیه و آله) و صحابه و تابعین هم در مورد این امور، کاری انجام نمی دادند، برای جواز آن کافی است؛ چرا که اصل و مبنای آن در شریعت وجود دارد.

۳- دفاع از کیان اسلامی و حفظ استقلال و نگرهبانی مرزهای آن در مقابل دشمنان، یک اصل مسلم قرآنی است که در آیه کریمه: **وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسِيْتَعْتُم مِّن قُوَّةٍ (۱)** بدان اشاره دارد و اما این که کیفیت دفاع چگونه باید باشد؟ اسلحه از چه نوع باشد؟ و کیفیت به کارگیری نیروهای نظامی چگونه باشد؟ همه اینها از مقدمات این دفاع هستند.

اگر گفته شود که بسیج عمومی مثلاً بدعت است، این یک نوع غفلت از اصل قضیه است و حال آن که اسلام اصل را بنا نهاده و شکلها و رنگها و اشکال مختلف را در اختیار مکلفین گذاشته است که آن هم بستگی به اقتضات زمان دارد.

ص: ۲۶



این همان اصلی است که به وسیله آن، بدعت از تطبیق و بدعت گذاری از پیروی، مشخص می شود. اینک پیرامون این قضیه تصریحات و سخنان برخی از علما را نقل می نمایم.

### سخنان برخی از علما پیرامون مسأله بدعت

الف: ابن رجب حنبلی در شرح حدیث شریف نبوی که می فرماید: «و از تازه های امور، پرهیزید؛ چرا که هر بدعتی، ضلالت است» می گوید:

«این سخن برای بر حذر داشتن مردم از پیروی امور جدید بدعت گذاری شده است و بر این امر تأکید نموده و می فرماید: هر بدعتی، ضلالت است و مراد از بدعت، آن چیزی است که اصلی در شریعت برای آن وجود ندارد تا بر آن دلالت کند و اما آنچه اصلی دارد، - اگر چه از نظر لغوی، بدعت باشد - بدعت نیست.

و در صحیح مسلم از جابر بن عبدالله (رض) از پیامبر (صلی الله علیه و آله) روایت می کند که آن حضرت در خطبه اش می فرمود: در واقع، بهترین سخن، کتاب خداست و بهترین هدایت، هدایت محمد است و بدترین کارها تازه های آن است و هر بدعتی، ضلالت است....

و این که فرمود: هر بدعتی، ضلالت است، از سخنان جامعی است که چیزی از آن خارج نمی شود و آن اصل بزرگی از اصول دین است و شبیه سخن دیگری از آن حضرت است که می فرماید: کسی که در این زمان ما چیز تازه ای پدید آورد که در آن (دین) نیست،

پس آن باطل است، پس هر کسی که چیز تازه ای پدید آورد و آن را به دین نسبت دهد، ولی در دین، اصلی برای آن وجود نداشته باشد که به آن اصل برگردد، پس آن، باطل و دین از آن بیزار است» (۱).

ب: ابن حجر در شرح حدیث شریف نبوی که در واقع بهترین سخن کتاب خداست می گوید:

«محدثات - با فتح دال - جمع محدثه است و منظور، آن چیزی است که جدید باشد، ولی اصلی در شرع نداشته باشد و در عرف شرع به آن بدعت می گویند و هر چه در شرع، اصلی داشته باشد، بدعت نیست و برخلاف لغت، بدعت در عرف شرع ناپسند است؛ چرا که از نظر لغت، هر چیزی که بی مانند باشد، بدعت است؛ چه پسندیده باشد و چه ناپسند، در محدثه نیز سخن همین است» (۲).

در مورد موضوع بحثمان هم هنگامی که به قرآن کریم و سنت شریف نبوی مراجعه می کنیم، می بینیم که یک اصل مهم دینی، نسبت به حق پیامبر (صلی الله علیه و آله) داریم و آن عبارت است از لزوم تکریم و بزرگداشت آن حضرت؛ چه در حال حیات، چه در حال ممات و برای هیچ مسلمانی امکان ندارد که این اصل را انکار نماید، اما این

ص: ۲۸

---

۱- (۱) - جوامع العلوم والحکم، ابن رجب حنبلی (متوفای ۷۵۰هـ - ق): ۲۲۳.

۲- (۲) - فتح الباری: ۲۵۳/۱۳، شرح حدیث ۷۲۷۷.

که این تکریم و بزرگداشت چگونه باشد؟ چگونگی آن به اختیار مسلمانان گذاشته شده ولی به شرط این که داخل در محرمات نباشد.

## امر سوم: لزوم احترام پیامبر (صلی الله علیه و آله) در حال حیات و بعد از حیات

### اشاره

تعدادی از آیات قرآن کریم در مورد وادار ساختن بر احترام و بزرگداشت و محبت به شخص پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) وارد شده اند که آنها عبارتند از:

۱- آیه شریفه:

فَالَّذِينَ آمَنُوا بِهِ وَعَزَّرُوهُ وَنَصَرُوهُ وَاتَّبَعُوا النُّورَ الَّذِي أُنزِلَ مَعَهُ أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ (۱)

«پس کسانی که به او ایمان آوردند و حمایت و یاری اش کردند و از نوری که با او نازل شده پیروی نمودند، آنان رستگارانند».

مفسرین می گویند:

«مراد از «عَزَّرُوهُ» در این آیه مطلق یاری نیست؛ چرا که یاری را با عبارت (نَصَرُوهُ) از (عَزَّرُوهُ) جدا ساخته است؛ بنابراین، اگر مراد از ((عَزَّرُوهُ)) همان یاری بود، دلیلی برای تکرار نصرت نداشت، پس

ص: ۲۹

لابد مراد از (عَزَّوَهُ) همان بزرگداشت و احترام و یا یاری همراه با بزرگداشت است» (۱).

۲- آیه شریفه:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَرْفَعُوا أَصْوَاتَكُمْ فَوْقَ صَوْتِ النَّبِيِّ وَلَا تَجْهَرُوا لَهُ بِالْقَوْلِ كَجَهْرِ بَعْضِكُمْ لِبَعْضٍ أَن تَحْبَطَ أَعْمَالُكُمْ وَأَنتُمْ لَا تَشْعُرُونَ \* إِنَّ الَّذِينَ يَعْضُونَ أَصْوَاتَهُمْ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ أُولَئِكَ الَّذِينَ امْتَحَنَ اللَّهُ قُلُوبَهُمْ لِلتَّقْوَى لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ عَظِيمٌ (۲)

«ای کسانی که ایمان آورده اید! صدای خود را فراتر از صدای پیامبر نکنید و در برابر او بلند سخن مگویید (وداد و فریاد نزنید) آن گونه که بعضی از شما در برابر بعضی، بلند صدا می کنند، مبدا اعمال شما نابود گردد، در حالی که نمی دانید! آنان که صدای خود را نزد رسول خدا کوتاه می کنند، همان کسانی هستند که خدا دل‌هایشان را برای تقوا خالص نموده و برای آنان آمرزش و پاداش عظیمی است.»

این آیه شریفه اشاره به یک ادب ویژه ای دارد که سزاوار است هنگام برخورد مسلمانان با رسول خدا (صلی الله علیه و آله) آن را رعایت نمایند،

ص: ۳۰

۱- (۱) - مجمع البیان: ۴/ ۶۰۴؛ البحر المحیط: ۵/ ۱۹۶؛ تفسیر القرآن العظیم، ابن کثیر: ۹/ ۲۶۵؛ تفسیر المیزان: ۸/ ۲۹۶.

۲- (۲) - حجرات (۴۹): ۳ - ۲.

ضمن این که باید جایگاه و موقعیت آن حضرت را در نظر گرفت که او فرستاده خدا و هدایت کننده به سوی پروردگار است و - همچنان که آیه به آن اشاره دارد - همه اینها به اعتبار این است که متصف به «مقام نبوت» شده است.

۳ - آیه شریفه:

لَا تَجْعَلُوا دُعَاءَ الرَّسُولِ بَيْنَكُمْ كَدُعَاءِ بَعْضِكُمْ بَعْضًا (۱):

«صدا کردن پیامبر را در میان خود، مانند صدا کردن یکدیگر قرار ندهید».

در این آیه نیز قرآن کریم، مردم را باز می دارد از این که پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) مثل دیگر مردمان، با اسم، صدا زده شود.

۴ - آیه شریفه:

إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا (۲)

«خدا و فرستادگان بر پیامبر درود می فرستند، ای کسانی که ایمان آورده اید! بر او درود فرستید و سلام گوید و کاملاً تسلیم (فرمان او) باشید».

قرآن کریم در این آیه به مسلمانان فرمان می دهد که پیامبر (صلی الله علیه و آله) را با دعا و درود و سلام یاد نمایند؛ چرا که او نزد خدای سبحان دارای جایگاه و مقامی محمود است.

ص: ۳۱

---

۱- (۱) - نور (۲۴): ۶۳.

۲- (۲) - احزاب (۳۳): ۵۶.

## تکریم پیامبر(صلی الله علیه و آله) از نظر روایات

ترغیب و تأکید بر احترام و بزرگداشت و محبت به پیامبر(صلی الله علیه و آله) در برخی از روایات نیز آمده است که به تعدادی از آنها اشاره می شود:

۱- رسول خدا(صلی الله علیه و آله) فرمود:

((کسی از شما ایمان ندارد، مگر آن که من از نظر او از مالش و خانواده اش و همه مردم، محبوب تر باشم)) (۱).

۲- روایت شده است که عمر بن خطاب گفت:

«ای رسول خدا! واقعاً تو از نظر من جز از جان خودم از همه چیز دیگر محبوب تر هستی؟ حضرت فرمود: سوگند به کسی که جانم در دست اختیار اوست! (به جایی نمی رسی) تا این که از جان تو هم محبوب تر باشم. عمر گفت: پس اینک از جان خودم هم محبوب تر هستی، فرمود: الان (درست شد) ای عمر!» (۲).

۳- ابن عباس از پیامبر(صلی الله علیه و آله) روایت می کند که فرمود:

«مرا به خاطر محبت به خدا دوست بدارید و اهل بیت مرا به خاطر محبت به من دوست بدارید» (۳).

ص: ۳۲

- 
- ۱- (۱) - صحیح مسلم: ۲۷۵ / ۳ و ۱۸۳؛ مسند احمد: ۱۸۳ / ۴، ح ۱۳۴۹۹ و ۲۷۳۹؛ سنن کبری، نسائی: ۵۳۴ / ۶، ح ۱۱۷۴۵؛ صحیح بخاری: ۱، ۹.
- ۲- (۲) - السیره بلغه الحب والشعر سعید حوی: ۱۵.
- ۳- (۳) - سنن ترمذی: ۵ / ۶۲۲، ح ۳۷۸۹.

پس با دلیل قرآن و سنت شریف، ثابت شد که احترام پیامبر(صلی الله علیه و آله) و تکریم و محبتش واجب است.

ولی شریعت مقدّس، این تکریم، احترام و بزرگداشت را بر عهده خود مسلمانان گذاشته است تا بر طبق عاداتهای خود و رسومات متنوع و جدید زندگی شان آن را انجام دهند و به وسیله آن، عواطف خود را نسبت به شخصیت پیامبر اکرم(صلی الله علیه و آله) به منصفه ظهور برسانند، به شرط این که مرتکب عمل حرام، یا منافی با آداب اسلامی - که در کتاب و سنت مقوّر شده است- نگردند.

### **امر چهارم: روز ولادت پیامبر(صلی الله علیه و آله) از ((ایام الله) است**

یکی از ادله شرعی بودن بزرگداشت جشن میلاد پیامبر(صلی الله علیه و آله) آیه شریفه ذیل است که می فرماید:

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَىٰ بِآيَاتِنَا أَنْ أَخْرِجْ قَوْمَكَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَذَكِّرْهُمْ بِآيَاتِ اللَّهِ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِّكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ (۱)

« ما موسی را با آیات خود فرستادیم؛ (و دستور دادیم:) قومت را از ظلمات، به نور بیرون آر و ایام الله را به آنان یادآور! در این، نشانه هایی است برای هر صبر کننده شکرگزار.»

ص: ۳۳

در این آیه کریمه خدای سبحان از پیامبرش موسی (علیه السلام) می خواهد که «ایام الله» را یاد آوری نماید، پس معنای آن این است که: یاد آوردن «ایام الله» امری مطلوب و نزد خدا دوست داشتنی است؛ چون «ایام الله» که تنها اختصاص به موسی (علیه السلام) و امت او ندارد بلکه امری است که در همه امم وجود دارد. و مقصود از «ایام»، فقط زمان نیست بلکه منظور از آن، یاد آوردن حوادث بزرگ گذشته است. و علت این که به نام «ایام» نامگذاری شده است، به خاطر این است که: آن روزها ظرفی هستند برای واقع شدن این حوادث، چه آن ایام، ایام نعمت باشند، یا ایام سختی و بلا. چون روزها هر دو نوع از این حوادث را دارا هستند.

این حوادث و وقایع، همان مصادیق فاعلیت خدا در جوامع بشری هستند؛ بنابراین، یاد آوردن آنها از مسائل مهم پیامبر (صلی الله علیه و آله) و یکی از ابعاد تبلیغی و تربیتی آن حضرت برای امتش می باشد.

و یاد آوردن و پند دادن به وسیله «ایام الله بزرگ»، تنها زمانی جامه عمل می پوشد که در آن ایام، حوادث مهمی اتفاق افتاده باشد.

و معنای آیه این است که: «ای رسول خدا! آنان را با تشویق و ترساندن، پندشان ده» و «تشویق» آن است که آنچه را خدا به آنان و امتهای گذشته - که به پیامبران پیشین ایمان آورده اند - نعمت داده و همراه با حوادث بزرگی بوده، یاد آوری شوند. مانند آنچه بر عاد و ثمود و دیگران اتفاق افتاد.



و «ایام الله» - که در حق موسی (علیه السلام) بوده است - ایامی است همراه با سختی و بلا و ایامی است که همراه با نعمت و یاری بوده است.

قرآن کریم بعد از تذکر و یادآوری علت آن را ذکر می کند: ((تا آنها درس و نشانه ای برای هر صبر کننده شکرگزار باشند)).  
[\(۱\)](#)

این یادآوریها برای بار آوردن مردم صبور و شکرگزار، دارای آثار تربیتی مثبتی است که به وسیله آنها امتها نجات می یابند و با تطبیق دادن آنها بر رسالت الهی، به پیروزی دست می یابند.

امت اسلامی، در تاریخ بزرگش با حوادث و وقایع بزرگی روبه رو شده است که زمینه ای برای عبرت آموزی و پندگیری بوده اند؛ برخی از آنها، حوادث پر نعمت و خوشی بوده و برخی از آنها حوادثی سخت و روز ولادت پیامبر (صلی الله علیه و آله) در زندگی مسلمانان، از حوادث بزرگ شمرده می شود و از ایامی است که خدا به وسیله آن، نه فقط به مسلمانان بلکه به همه انسانها نعمت داده است، مثل دیگر روزها که از «ایام الله» محسوب می شوند، روز هم از ایام الله محسوب می شود، بزرگداشت این روز مثل یک مراسم عبادی بزرگ شمرده می شود و از مصادیق نعمتهایی است که خدا به وسیله آن بر

ص: ۳۵

---

۱- (۱) - الکشاف زمخشری: ۵۴۰ / ۲ ؛ تفسیر ثعالبی: ۳۷۵ / ۳ ؛ الدر المنثور: ۴ / ۱۳۲ ؛ التفسیر الکبیر، فخر الرازی: ۸۴ / ۱۹ ؛ تفسیر عیاشی: ۵۹ / ۶ ؛ مجمع البیان: ۵۹ / ۶ ؛ المیزان، طباطبائی: ۱۸ / ۱۱ ؛ الجامع الکبیر لأحكام القرآن: ۹ ، ۳۴۲.

ما منت نهاده و یکی از مصادیق آیه شریفه: ... وَذَكَرَهُمْ بِأَيَّامِ اللَّهِ (۱) می باشد.

در زندگی انبیاء روز ولادتشان از روزهای مهم و مبارک شمرده می شود و خدا در آن روز، به پیامبر بزرگش حضرت یحیی (علیه السلام) سلام می فرستد و می فرماید:

وَالسَّلَامُ عَلَيْهِ يَوْمَ وُلِدَ وَيَوْمَ يَمُوتُ وَيَوْمَ يُبْعَثُ حَيًّا (۲)

« سلام بر او، آن روز که تولد یافت و آن روز که می میرد و آن روز که برانگیخته می شود.»

و نیز پیامبر خدا عیسی بن مریم (علیه السلام) در این روز، بر خودش سلام می فرستد و می گوید:

وَالسَّلَامُ عَلَيَّ يَوْمَ وُلِدْتُ... : (۳)

«و سلام (خدا) بر من، در آن روز که متولد شدم...»

پس با توجه به این که پیامبر اسلام حضرت محمد (صلی الله علیه و آله) افضل انبیا است، باید روز ولادتش از روز ولادت دیگر انبیا شریف تر باشد و یاد آوردن آن روز با عظمت تر از یادآوری ولادت دیگر انبیا باشد؛ چرا که آن روز، روزی است که خدا، در آن روز به وسیله خاتم الانبیا بر مطلق بشریت، منت نهاده است.

ص: ۳۶

---

۱- (۱) - ابراهیم (۱۴): ۵.

۲- (۲) - مریم (۱۹): ۱۵.

۳- (۳) - مریم (۱۹): ۳۳.

تاریخ نویسان می گویند:

«بزرگداشت‌های فراوانی که از طرف خوبان و متدینین از مردم برای پیامبر (صلی الله علیه و آله) برگزار می شد، موجب شد که روز ولادت آن حضرت را در سال ۳۰۰ هـ.ق. جشن بگیرند.» (۱)

یعنی پیش از این تاریخ نیز جشنها برگزار می شده است، ولی در این قسمت از تاریخ، از حالت فردی، به جشنهای اجتماعی تبدیل شد و دلیل آن هم، همان اهمیتهای فراوانی بوده است که خوبان و متدینین از مردم مسلمان، برای این روز قایل بوده اند. و لذا از کرجی (متوفای ۳۴۳ هـ.ق) نقل شده است که:

«او از زهد و متعبدین بوده که (همیشه روزه بود و) جز در عیدین (فطر و قربان) و روز میلاد پیامبر (صلی الله علیه و آله) روزه اش را افطار نمی کرد.» (۲)

و قسطلانی می گوید:

«اهل اسلام، ماه ولادت آن حضرت را جشن گرفته و ولیمه می دهند و در شبهایش صدقه های مختلفی می پردازند و شادمانی خود را ظاهر می سازند و بر نیکیهای خود می افزایند و برای مولود خوانی،

ص: ۳۷

۱- (۱) - المواسم و المراسم، جعفر مرتضی عاملی: ۴۱.

۲- (۲) - الحضاره الاسلامیه فی القرن الرابع الهجری: ۲/ ۲۹۸.

اهمیت قابل هستند و (خدا) برکت و فضل فراگیرش را بر آنان ظاهر می سازد».

تا آن که می گوید:

«خدا پیامرزد کسی را که شبهای ماه مبارک، میلادش را عید بگیرد». (۱)

سپس قسطلانی موضعگیری ابن الحاج را ستوده و می گوید:

«ابن الحاج در مورد انتقاد از کسانی که برای برگزاری میلاد شریف، بدعتها و هواهای نفسانی و خواندن غنا با آلات حرام به کار می برند، سخن گفته است، پس خدای تعالی او را به خاطر هدف زیبایش پاداش دهد». (۲)

و سخاوی گوید:

«اهل اسلام از دیگر سرزمینها و شهرهای بزرگ، جشن میلاد را برگزار می کنند و در شبهایش صدقات گوناگونی می پردازند و به مولوده خوانی در میلاد شریفش اهمیت می دهند و (خدا) برکت فضل فراگیرش را بر آنان ظاهر می سازد». (۳)

و ابن عباد در کتاب رسائل کبرای خود می گوید:

ص: ۳۸

---

۱- (۱) - المواهب اللدنیة: ۱ / ۲۷؛ السیره النبویة، دحلان: ۱، ۲۴؛ السیره الحلیة: ۱ / ۸۴ - ۸۳.

۲- (۲) - المواهب اللدنیة: ۱ / ۲۷؛ السیره النبویة، دحلان: ۱، ۲۴؛ السیره الحلیة: ۱ / ۸۴ - ۸۳.

۳- (۳) - السیره الحلیة: ۱ / ۸۴ - ۸۳؛ السیره النبویة، دحلان: ۱ / ۳۴؛ تاریخ الخمیس: ۱ / ۲۲۳.

«و اما در مورد روز میلاد، پس آنچه برای من روشن است این است که: آن روز عیدی از اعیاد مسلمانان و برنامه ویژه ای از برنامه های آنان است و هر کاری که در آن روز انجام می گیرد، از قبیل: روشن کردن شمع و لذت بردن چشم و گوش و پوشیدن و زینت کردن با لباسهای فاخر و سوار شدن بر مرکبهای راهوار که اقتضای شادمانی و سرور در آن روز میلاد مبارک را دارند، کاری مباح هستند و کسی منکر آن نیست».<sup>(۱)</sup>

و از ابن حجر نقل شده است که گفته است:

«و اما کارهایی که در آن روز انجام می گیرد، سزاوار است به چیزی که شکر خدای تعالی از آن فهمیده می شود، اکتفا گردد. مثل تلاوت (قرآن) و اطعام (غذا) و صدقه و خواندن مدحهای نبویّه و زهدیه ... و اما کارهایی از قبیل غنا و لهو، آنچه مباح است و به شکلی است که از شادمانی آن روز نمی کاهد، اشکالی ندارد که آن را هم ملحق به برنامه نمایند، ولی آنچه حرام، یا مکروه باشد، ممنوع است و همچنین است چیزی که خلاف اولویت باشد».<sup>(۲)</sup>

ص: ۳۹

---

۱- (۱) - القول الفصل فی حکم الاحتفال بمولد خیر الرسل: ۱۷۵.

۲- (۲) - خلاصه ای از رساله حسن المقصد، سیوطی که با کتاب النعمه الکبری علی العالم چاپ شده است: ۹۵.

## جشن میلاد پیامبر (صلی الله علیه و آله) از نظر حاکمان و سیاستمداران

می گویند: «اولین کسی که از حکام، میلاد پیامبر (صلی الله علیه و آله) را جشن گرفته است، (امیر ابو سعید مظفر الدین اربلی (متوفای ۶۳۰ هـ. ق) بوده است».<sup>(۱)</sup>

«و گروههایی از مردم بغداد و موصل و جزیره و سنجار و نصیبین و حتی از فارس به این جشن می آمده اند. از میان آنان علما، صوفی ها، و غاظ، خوانندگان و شعرا وجود داشته اند و از ماه محرم تا اوایل ماه ربیع الأول در شهر اربیل می ماندند و امیر در خیابان بزرگی، میزهای بزرگ چوبی با طبقات فراوانی قرار می داد که برخی را بر روی برخی دیگر قرار می داده اند و به چهار، یا پنج طبقه می رسیده است و آنها را تزیین می کرد و خوانندگان غنا و موسیقی و شعبده بازان، بر روی آنها می نشسته اند».<sup>(۲)</sup>

و آقای رشید رضا می گوید:

ص: ۴۰

---

۱- (۱) - الحضاره الاسلامیه فی القرن الرابع الهجرى: ۲/ ۲۹۹؛ زرقاوی: ۱، ۱۶۴؛ التوسل بالنبی و جهله الوهائیین: ۱۱۵؛ رسالۀ حسن المقصد که همراه النعمه الکبری علی العالم، چاپ شده است: ۴۷۷ و ۸۰ و ۷۵؛ البدایه و النهایه: ۱۳/ ۱۳۷.

۲- (۲) - وفیات الاعیان: ۱/ ۴۳۶ - ۴۳۷؛ شذرات الذهب: ۵/ ۱۳۶ - ۱۴۰ و السیره النبویه، دحلان: ۱/ ۲۴ - ۲۵؛ البدایه و النهایه: ۱۳/ ۱۳۷.

«اولین کسی که اجتماعی را برای خواندن داستان میلاد پیامبر(صلی الله علیه و آله) تشکیل داد، یکی از پادشاهان شراکسه مصر بوده است».<sup>(۱)</sup>

علاوه بر آن که کتابها و رساله های مختلفی در این زمینه نوشته شده و بحثهای فراوانی منتشر شده است که در مورد مشروعیت میلاد پیامبر(صلی الله علیه و آله) و دیگر برنامه ها و مراسمها سخن گفته است، بحثهای پراکنده دیگری نیز در کتابهای مختلف وجود دارد که برای اهداف دیگری نوشته شده اند و از جمله این کتابها و رساله ها عبارتند از:

۱- کتاب التنویر فی مولد السراج المنیر، نوشته ابن دحیه که آن را برای امیر مظفر الدین تألیف نموده و امیر غیر از آنچه در مدت اقامتش برای او خرج کرده، هزار دینار نیز به او پرداخته است.<sup>(۲)</sup>

۲- کتاب حسن المقصد، نوشته جلال الدین سیوطی.

۳- کتاب المولد، نوشته ابن الربیع.

ص: ۴۱

---

۱- (۱) - القول الفصل فی حکم الاحتفال بمولد خیر الرسل: ۳۰۵ به نقل از الفتاوی: ۴.

۲- (۲) - وفيات الاعیان: ۴۳۷/۱ و ۳۸۱ ورسالة حسن المقصد، سیوطی: ۷۷ و ۷۵؛ البدایه و النهایه: ۱۳/۱۳۷؛ السیره الحلییه: ۸/۸۴ - ۸۳.

۴- کتاب النعمه الكبرى على العالم فى مولد سيد ولد آدم، نوشته شهاب الدين أحمد بن حجر هيثمى شافعى، صاحب كتاب الصواعق المحرقة. (۱)

## ویژگیهای ولادت و احکام آن

برای روز میلاد پیامبر (صلی الله علیه و آله) احکام شرعی ویژه ای است. و نیز این روز دارای برکات و فضیلت‌های فراوانی است که به بهانه آن روز، خدای سبحان بر بندگانش مَنّت می گذارد که عبارتند از:

۱- از سخنان علمایی که یادشان گذشت؛ مثل: قسطلانی، ابن الحاج، ابن عباد و ابن حجر، این چنین استفاده می شود که «روز میلاد» مثل دیگر عیدها عید محسوب می شود. (۲)

۲- ابن جوزی می گوید:

«از ویژگیهای آن روز، این است که آن میلاد در آن سال، امان و مژده ای سریع برای رسیدن به مقاصد و اهداف بوده است».

(۳)

ص: ۴۲

---

۱- (۱) - المواسم و المراسم جعفر مرتضی عاملی: ۲۵.

۲- (۲) - المواهب اللدنیة: ۲۷/۱؛ والسیره النبویة دحلان: ۲۴/۱؛ السیره الحلبیة: ۸۴/۱ - ۸۳.

۳- (۳) - المواهب اللدنیة: ۲۷/۱؛ تاریخ الخمیس: ۲۲۳/۱؛ جواهر البحار: ۳/۳۴۰ از احمد عابدین؛ السیره النبویة، دحلان: ۲۴/۱.



۳- ایستادن در آن شب، مستحب و صلوات فرستادن بر آن حضرت، واجب است. و گفته اند که آنها جهت احترام و تعظیم به این شب، می ایستادند و در مورد حکم شرعی آن سخن می گفتند.

صفوری شافعی گوید:

((مسأله ایستادن هنگام ولادت آن حضرت، انکارناپذیر است و آن از نو آوریهای خوب است. و جماعتی، به استحباب قیام و ایستادن در وقت ذکر ولادت آن حضرت فتوا داده اند. و برخی در مورد صلوات، هنگام یاد آن حضرت، فتوا داده اند، و این کار از قبیل اکرام و بزرگداشت محسوب می شود...)). (۱)

### ابن تیمیه و خواندن غنا در عید

ابن تیمیه این چنین شرح می دهد که:

«اعمال عید، اختصاص به عبادت و صدقات و امثال آن ندارد بلکه از آنها گذشته و به خوشگذرانی و اظهار شادمانی هم می رسد.»

و نظر ابن تیمیه این بوده است که:

این مطلب در سنت پیامبر (صلی الله علیه و آله) اصلی دارد؛ یعنی در روایتی آمده است: نزد پیامبر (صلی الله علیه و آله) کنیزکانی بوده اند که غناخوانی می کرده اند،

ص: ۴۳

ابوبکر وارد شد و آن کار را زشت دانست و گفت: آیا مزمار شیطان را در خانه رسول خدا (می زنید)؟

پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمود: برای هر قومی، عیدی است و عید ما هم امروز است. (۱)

و ابن تیمیّه اضافه نموده است که:

«آنچه در عیدها انجام می شود مانند: خوردن و آشامیدن و لباس (نو) پوشیدن و زینت کردن و بازی و راحتی و امثال آن، از چیزهایی است که - اگر مانع شرعی نداشته باشد - همه افراد بدان علاقه مندند، مخصوصاً بچه ها و زنها و بیشتر افراد بیکار».

### **امر ششم: بررسی نظرات کسانی که جشن میلاد پیامبر (صلی الله علیه و آله) را حرام می دانند!**

هر چند از نظر شرعی، جشن میلاد پیامبر (صلی الله علیه و آله) روشن است و با اصل دین ارتباط دارد، ولی گروهی با نام (وهابیت) همیشه اصرار

ص: ۴۴

---

۱- (۱) - اقتضاء الصراط المستقیم: ۱۹۵ - ۱۹۴ و روایت در صفحه ۱۹۳ است، به نقل از صحیحین؛ صحیح بخاری: ۱/ ۱۱۱؛ صحیح مسلم: ۲/ ۲۲ و سیره حلبیه: ۲/ ۶۲ - ۶۱؛ شرح مسلم نووی در حاشیه ارشاد الساری: ۴/ ۱۹۷ - ۱۹۵؛ دلائل الصدق: ۱/ ۳۸۹؛ سنن بیهقی: ۱۰/ ۲۲۴؛ اللمع، ابن نصر: ۲۷۴؛ البدایه و النهایه: ۱/ ۲۷۶؛ المدخل: ۳/ ۱۰۹؛ المصنّف: ۱۱/ ۱۰۴؛ مجمع الزوائد: ۲/ ۲۰۶؛ کتاب الکبیر، طبرانی.

دارند که برگزاری جشن میلاد پیامبر(صلی الله علیه و آله) در ضمن دایره بدعتهاست!!

ابن تیمیّه می گوید:

«و نیز آنچه را که برخی مردم درست کرده اند، یا برای مشابّهت به (کار) مسیحیان است در میلاد عیسی(علیه السلام) و یا برای ابراز محبت به پیامبر(صلی الله علیه و آله) است، و خدا آنان را به خاطر این محبت و کوشش، پاداش خواهد داد، نه به خاطر بدعتهایی که در میلاد رسول خدا(صلی الله علیه و آله) انجام داده و آن را عید قرار داده اند، ضمن این که در میلاد او مردم اختلاف دارند، گذشتگان این کار را انجام نمی دادند، با این که مقتضی برای این کار به وجود داشت و مانعی در کار نبود. و اگر این کار خیر محض بود و یا یک برتری ای داشت، گذشتگان برای برگزاری آن، از ما مستحق تر بودند؛ چرا که آنها نسبت به رسول خدا(صلی الله علیه و آله) محبت بیشتری داشتند و بیش از ما آن حضرت را احترام می کردند.»

و اضافه می کند و می گوید:

«هر چند ابن الحاج، خود اعتراف نموده است که روز میلاد پیامبر(صلی الله علیه و آله) دارای فضیلتی است، ولی با برگزاری جشن برای میلاد، موافق نبوده است؛ چرا که در آن، منکراتی انجام می گیرد و به خاطر

ص: ۴۵

اینکه پیامبر (صلی الله علیه و آله) برای امت خود، راحتی را خواسته و در مورد آن هم چیز خاصی (روایتی) وارد نشده است؛ بنابراین بدعت است!!» (۱).

آنچه در همه این سخنان گذشته قابل دقت و بررسی است، این است که: کسانی که جشن میلاد و مناسبت‌های دیگر اسلامی را بر مردم ممنوع نموده اند و آن را کار حرامی شمرده اند، استدلالشان بر پایه یک برداشت غلطی است از معنای «بدعت». آنان تصوّر کرده اند که معنای ارتباط نداشتن با دین این است که در صدر اسلام، دستوری برای تشریح آن وجود نداشته باشد، یا دلیل خاصی برای آن موضوع خاص، وارد نشده باشد. و معنای مرتبط بودن با دین را در این می دانند که در زمان صدر اسلام و زمان تشریح، دستوری در مورد آن موضوع وجود داشته باشد، یا این که در خصوص آن موضوع، دستور ویژه ای وجود داشته باشد. و حال آن که دلیل بدعت تنها این نیست که دلیل خاصی در مورد آن وارد شده باشد، یا وارد نشده باشد بلکه لازم است در عمومات تشریح و ادله کلی که عمل را از مرحله بدعت خارج می سازد، دقت شود؛ همچنان که عدم وجود یک موضوعی در صدر اسلام، دلیل بر این نیست که از نظر شرعی هم مطلوبیتی نداشته باشد و از آن طرف، وجود آن موضوع هم دلیل بر مطلوبیت آن از نظر شرعی نمی باشد چرا که بدعت

ص: ۴۶

یا عدم بدعت این نیست که یک موضوع در صدر اسلام وجود داشته باشد، یا نه.

و برخی سعی کرده اند که دلیل دیگری برای تحریم جشن میلاد پیامبر بیفزایند و آن این است که: در این جشنها معمولاً کارهای حرامی مثل موسیقی و غنا و اختلاط زن و مرد و غیر ذلک... نیز پیش می آید.

و ما ادعای بروز کارهای حرام در جشنهای میلاد پیامبر (صلی الله علیه و آله) را که از سوی پیروان اهل بیت (علیهم السلام) برگزار می شود، ادعایی بی اساس و تهمتی ناروا می دانیم و در عین حال تأکید می کنیم که همزمان بودن، موجب الغا و تحریم اصل عمل نمی گردد؛ چرا که اگر این را بپذیریم لازمه اش این است که اصول مسلم عبادات هم اگر با هر عنوان حرامی همزمان باشند، باطل اعلام گردند و این چیزی است که هیچ کس آن را نمی پذیرد. مثلاً اگر نماز واجب، همزمان شود با نگاه کردن به زن اجنبی که قطعاً کار حرامی است آیا می توان گفت که نماز واجب، بدعت شد (و العیاذ بالله) بجا آوردنش حرام است؟ و آیا حرام بودن کاری به صرف همزمانی با تشریح و ایجاب نماز، سرایت می کند؟!

و آنچه برای ما دارای اهمیت می باشد، این است که روایات عامی داریم که در مقام تأکید بر ضرورت احترام شخص پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) و بزرگداشت و احترام آن حضرت در حال حیات و بعد از حیات هستند و به خاطر فراوانی و تواتر روایات، کسی نمی تواند

آنها را انکار نماید و همین مقدار برای شرعی بودن مراسم جشن میلاد، کافی است، و آن را متصّف به صفت شرعی می کند و آن را از مظاهر بارز و مصادیق روشن و آشکار مشروعیت قرار می دهد.

از همین جاست که برخی از علمای اهل سنّت از طریق ادلّه صحیح کَلّی، به عمق انتساب این مسأله به شریعت مقدّس پی برده اند و لذا برخی از آن، با عنوان «البدعه الحسنه» یاد کرده اند.

ابن حجر در این مورد می گوید:

«کار برگزاری جشن میلاد، بدعتی است که از هیچ یک از گذشتگان صالح در سه قرن اوّل، نقل نشده است، ولی با این حال، دارای خوبیها و معایبی است. و هر کس در کار خود به دنبال خوبیها باشد و از ضدّ آنها پرهیز نماید، آن کار بدعت حسنه خواهد بود و اگر غیر از این باشد، نه».<sup>(۱)</sup>

و امام ابو شامه در این مورد می گوید:

«از بهترین بدعتهایی که در زمان ما انجام می گیرد، چیزی است که در هر سال، در روزی که مصادف با روز ولادت پیامبر (صلی الله علیه و آله) انجام می شود؛ مثل صدقات و کارهای خوب و آشکار کردن زیورآلات و اظهار سرور. این کار با توجّه به این که جزء احسان بر

ص: ۴۸

---

۱- (۱) - المواسم و المراسم جعفر مرتضی عاملی: ۶۲، به نقل از: رساله المقصد، چاپ شده با النعمه الکبری علی العالم؛ التوسل بالنبی و جهله الوهّابیین: ۱۱۴.

فقرا شمرده می شود، دلالتی بر احترام و محبت قلبی بر گزار کننده مراسم است، نسبت به آن حضرت و شکرگزاری از خداست بر این که پیامبرش را که رحمه للعالمین است، در میان آنها قرار داده است»<sup>(۱)</sup>.

و سیوطی در رساله اش به نام حسن المقصد فی عمل المولد می گوید:

«از نظر من، اصل کار جشن میلاد که عبارت است از: اجتماع مردم و تلاوت مقداری از قرآن و بیان اخباری که در مورد پیامبر(صلی الله علیه و آله) وارد شده و نشانه هایی که در ولادت آن حضرت رخ داده است، و سپس سفره غذایی می گسترانند و از آن می خورند و بدون کار اضافه دیگری، متفرق می شوند، از بدعتهای حسنه ای است که صاحب و برگزارکننده اش پاداش خواهد داشت؛ چرا که در آن (مجلس)، بزرگداشت منزلت پیامبر(صلی الله علیه و آله) و اظهار شادمانی و بشارت باد به مناسبت میلاد شریف آن حضرت است»<sup>(۲)</sup>.

علی رغم این که ابن تیمیّه از افرادی است که به صورت افراطی با عید دانستن روز میلاد برخورد می نماید، ولی اقوال زیادی نقل می نماید که همه آنها دلیلی است بر مشروعیت اجتماع و برگزاری جشن میلاد پیامبر(صلی الله علیه و آله).

ص: ۴۹

---

۱- (۱) - سیره حلبیه: ۱/ ۸۴ - ۸۳.

۲- (۲) - کی لا نمضی بعیداً عن احتیاجات العصر، سعید حوی: ۶؛ السیره بلغه الحبّ و الشعر: ۴۲.

او می گوید: «مروزی گوید: از ابا عبدالله در مورد قومی سؤال کردم که شب در یک جایی جمع می شوند و خواننده ای می خواند و دعا می کنند تا صبح شود، گفت: امیدوارم اشکالی نداشته باشد... و ابو سری حربی گوید: ابو عبدالله گفت: چه چیز بهتر از این است که مردم جمع شوند و نماز بخوانند و نعمتهای خدا را بر خودشان یادآور شوند، همچنانکه انصار می گفتند؟».

و اضافه می کند که:

«این مطلب، اشاره ای است به آنچه احمد روایت می کند و می گوید: اسماعیل برای ما حدیث کرد که ایوب از محمّد بن سیرین برای ما خبر داد که گفت: به من خبر رسید که انصار در مدینه می خواستند به استقبال رسول خدا (صلی الله علیه و آله) بیایند، گفتند: در مورد زمان آن تصمیم گیری کنیم. اجتماع کردیم و در مورد این مسأله که خدا بر ما منت نهاده است به گفتگو نشستیم، گفتند: روز شنبه، سپس گفتند با یهودیان در روز آنان جمع نمی شویم، گفتند: روز یکشنبه. (برخی دیگر) گفتند: با مسیحیان در روز آنان جمع نمی شویم، گفتند: پس روز عروبه و روز عروبه را روز جمعه می نامند، سپس در خانه ابی امامه اسعد بن زراره جمع شدند و برای آنان گوسفندی ذبح شد که برای همه آنان کافی بود). (۱)

ص: ۵۰



پس مشروعیت برگزاری اجتماعات جشن و سرور که همراه با یادآوری مسائل مهمّ دینی باشد - تا مادامی که انسان در میان یک جامعه بشری زندگی می کند - یک تمایل و خواسته انسانی است که دوشادوش فطرت بشری و برخواسته از طبیعت انسان است و لذا می بینیم که مسلمانان در مناسبتهای مختلف دینی، از هماهنگ شدن با این روش انسانی عقلایی تخلف نمی ورزند. و این چیزی که ابن تیمیّه برای ما نقل می نماید، یکی از همان دهها مسأله ای است که حکایت از این واقعیت دارد و در زندگی مسلمانان انعکاس می یابد؛ چون به طور طبیعی با فرهنگ عمومی و مسائل مهمّی که موجب استحکام جامعه می گردد، هماهنگ و منسجم است و همین مسأله خود دلیل بر این است که ریشه برگزاری جشنها و اجتماعات برای مناسبتهای اسلامی، به عصر پربرکت ظهور اسلام بر می گردد.

آزادترین و معتدل ترین نظریّه در این مسأله - در میان متأخرین - نظریّه آقای سعید حوّی است که از جواز برگزاری مناسبتهای اسلام عموماً و از بزرگداشت جشن میلاد پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) خصوصاً با ادله ای قانع کننده حمایت نموده است. و علی رغم این که او خود اصرار دارد که بدعت به دو قسمت «ممدوح» و «مذموم» تقسیم می گردد، ولی بر متعصّبانی که معنای بدعت را به خوبی نفهمیده اند، تاخته است و لذا می گوید:

«آنچه من معتقدم این است که اگر ماه ولادت به عنوان مناسبتی انتخاب شود که مسلمانان با سیره و شمایل رسول خدا(صلی الله علیه و آله) آشنا شوند، بی اشکال خواهد بود. و اگر در ماه ولادت، عواطف مسلمانان نسبت به رسول خدا(صلی الله علیه و آله) تحریک شود، این هم اشکالی ندارد و اگر در ماه ولادت، حدیث شریعت رسول خدا(صلی الله علیه و آله) فراوان گفته شود، این هم اشکالی ندارد و آنچه در برخی از جاها رایج شده است که برای سخنرانی و شعر خوانی در مسجدی، یا خانه ای، به مناسبت ماه ولادت گردهم جمع شوند، این هم چیزی است که اشکالی در آن وجود ندارد، ولی به شرط این که آنچه گفته می شود، از نظر معنا صحیح باشد.

پس اصل این اجتماعات برای گفتن مقداری از سیره با خواندن قصیده ای در مدح رسول خدا(صلی الله علیه و آله) جایز است و امیدوارم که برگزارکنندگان آن نزد خدای تعالی مأجور باشند و حتی اگر برای گفتن سیره یک ماه هم اختصاص داده شود که در آن ماه، با زبان شعر و ابراز محبت سخن گفته شود، اشکال ندارد.

آیا اگر در یک مدرسه ماههایی را برای انواع کارهای فرهنگی اختصاص دهند، آیا این گناه است؟ فکر نمی کنم که این مسأله (جشن میلاد پیامبر) از این موضوع خارج باشد».

و بر این سخن خود افزوده و می گوید:

«استاد حسن البنا - که مردی صادق، با هوش و پیشرو در دانش بود، معتقد بود - که مناسبتهای اسلامی را باید در زمان آشوب زده و

تاریکی که مسلمانان در آن غافل شده و نسبت به بسیاری از مسائل دینی شان در جهالت به سر می‌برند، زنده نگه داشت. و از سخنان او در لابلائی تذکراتش این بود که: تمام شبهایی که در میان مسلمانان در آنها جشن گرفته می‌شد، احیای آنها واجب است؛ چه با تلاوت قرآن کریم باشد، یا خطبه خوانی و سخنرانیهای مناسب...».

آنگاه سعید حوی بر افراطیها حمله می‌کند و می‌گوید:

«در کارهایی مثل این مسأله تندرویها افراطیان بی‌جاست و اصل در اشیاء حرمت نیست بلکه اصل در آن اباحه است، مگر آن که نصی در مورد تحریم وارد شده باشد. و در استنباطشان از حدیث:

كُلِّ مَا لَيْسَ عَلَيْهِ أَمْرٌ نَا فَهُوَ رَدٌّ نِيْزِ اسْتِبْهَاءِ نَمُوْدَةِ اَنْدِ». (۱)

پس در حقیقت، ابراز احساسات و عواطف دینی که جای در فطرت مسلمانان دارد، به فرهنگ مردم و راههای مختلف و عاداتهای اجتماعی مخصوص آنان واگذار شده است و شبیه این مسأله جشنی است که اکثر دولتها یا همه آنان در روزهای استقلالشان بر پا می‌کنند، ولی فرق میان این جشنهایی عمومی و جشنهایی که به مناسبت روز میلاد پیامبر (صلی الله علیه و آله) یا دیگر مناسبتهای مهم اسلامی برگزار می‌شود، این است که این جشنهای عمومی، مشمول عموماً شرع مقدس قرار نمی‌گیرند - که آنها را تحت دایره استجاب و

ص: ۵۳

---

۱- (۱) - کی لا نمضی بعیداً عن احتیاجات العصر سعید حوی: ۶؛ السیره بلغه الحب و الشعر: ۳۹ - ۳۶.

مطلوبیت در آورد - بلکه تنها تابع یک سری آداب، رسوم و عرفهای عمومی است که حاکم بر زندگی بشری هستند، ولی جشنهایی که به مناسبتهای اسلامی، مخصوصاً برای جشن میلاد پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) برگزار می شوند، مشمول دستورات شرع مقدس اسلام هستند و همچنان که یادآور شدیم، به وسیله اخبار و روایات به ما رسیده است.

در پایان لازم است به این سؤال نیز پاسخ داده شود که چرا پیروان مکتب اهل بیت (صلی الله علیه و آله) با این همه شوق و شغف، برای برگزاری این مراسمها - مخصوصاً جشن میلاد پیامبر بزرگ اسلام (صلی الله علیه و آله) - اصرار میورزند و همیشه چشم انتظار فرارسیدن این ایام خجسته و مبارک هستند؟!

در پاسخ باید گفت: آنها برای زنده نگه داشتن شخصیت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) شدیداً عشق می ورزند و می خواهند آن را در قلوب مسلمین در هر زمان و هر لحظه ای زنده نگه دارند و تعالیم آسمانی اسلام را موجب سرافرازی خود دانسته و مردم را به سوی آن دعوت نمایند و بدان تمسک جویند؛ چون کسی که از برنامه این جشنها اطلاع دارد، اولین هدفی را که در نظر دارد، این است که مقام و منزلت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) را بزرگ بدارد و در میان سخنان، قصیده ها، خطبه ها، خاطره ها و مقاله های هدفدار اسلامی آثار و دستاوردهای جاودانه آن حضرت را به منصفه ظهور برساند و حتی برخی از آن

مطالب که پیرامون جوانب مختلف زندگی بزرگوارانه آن حضرت و جهاد بزرگ وی در راه بزرگداشت کلمه الله بر روی زمین و مسائل دیگری که مرتبط با آن حضرت بوده است، مسلمانان را علاقمند به روش آن حضرت می کند و آنها را برای اقتدا به آن حضرت و پیمودن راه هدایتش بر می انگیزد.

برای توضیح این مطلب، به سخنان آقای سید محسن امین عاملی اشاره می نمایم:

«و اما در مورد جشن میلاد انبیا و اولیا که وهابیتون آن را عید و مواسم می نامند، اگر در روزهایی مانند روز ولادت آنان که از طرف خدا نعمتی است بر مخلوقاتش، به اظهار سرور و شادمانی پردازند و زیباییهای خود را ابراز نمایند و سرگذشت ولادتشان را بخوانند - همچنان که خواندن سرگذشت ولادت پیامبر(صلی الله علیه و آله) مرسوم است - و از خدا برای آنان منزلت و رفعت را طلب نمایند و مکرراً بر انبیا صلوات و سلام بفرستند و بر صلحا رحمت بفرستند، در این گونه کارها تا وقتی که کار حرامی مثل غنا، یا فساد، یا استعمال وسایل لهو و امثال آن انجام نگیرد، هیچ مانع عقلی و شرعی ندارد. همچنان که همه عقلا و اهل ملت‌های مختلف در روزهایی مثل روزهای ولادت بزرگان و انبایشان و روزهای تخت نشینی و تاجگذاری پادشاهانشان این کارها را انجام می دهند و همه اینها یک نوع تعظیم و احترام است و اگر کسی که مورد احترام قرار می گیرد،

اهلیت این احترام را داشته باشد، این کار یک نوع اطاعت و عبادت خدا نیز محسوب می گردد، ولی هر احترام و تعظیمی عبادت آن شخص بزرگ محسوب نمی گردد، پس قیاس کردن این کارها به کارهای مشرکین - در برابر بت‌هایشان - یک قیاس فاسدی است» (۱).

## چکید بحث

مسأله جشن میلاد پیامبر (صلی الله علیه و آله)، مسأله ای است که از قرنهای گذشته تا الآن وجود داشته و مسلمانان بدان انس گرفته اند.

و این که ادعا می کنند: «جشن میلاد از بدعتهاست و از مسائل دینی نیست»، سخن صحیحی نیست؛ چون استناد این گونه ادعاها بر اساس یک برداشت غلطی از معنای «بدعت» است؛ چرا که آنان تصور کرده اند معنای بدعت این است که آن مسأله در صدر اسلام وجود نداشته باشد و یا دلیل خاصی در مورد آن نداشته باشیم. لکن حرف صحیح این است که: هر چیزی، یا هر فعلی به دو صورت در دین می تواند جایز باشد:

ص: ۵۶

اول این که: در مورد آن موضوع خاص، نصی وجود داشته باشد؛ مثل عید فطر و عید قربان.

دوم این که: به صورت کلی در مورد آن نصی وارد شده باشد، ولی کیفیت انجام آن به خود مردم واگذار شده باشد. مثل فراهم آوردن وسایل و ادوات جهاد که هر زمان، در حال تحوّل است.

و جشن میلاد پیامبر (صلی الله علیه و آله) هم از همین قبیل است؛ یعنی به صورت کلی برای احترام و بزرگداشت پیامبر (صلی الله علیه و آله) دستور وارد شده است، ولی مصداق احترام، بر عهده مکلفین واگذار شده است. و بر همین اساس است که مسلمانان از جمله پیروان مکتب اهل بیت (علیهم السلام)، روز میلاد پیامبر (صلی الله علیه و آله) را جشن می گیرند.

و آخر دعوانا ان الحمد لله رب العالمین

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریان‌های اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می‌نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری



۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com)

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می  
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه  
اول

وب سایت: [www.ghbook.ir](http://www.ghbook.ir)

ایمیل: [Info@ghbook.ir](mailto:Info@ghbook.ir)

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

# گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

**[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)**

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

